

زنه دکارت گفتار در روش

ترجمه‌ی محمدعلی فروغی

مقدمه و حواشی: اتین ژیلسون

ترجمه‌ی مقدمه و حواشی: سید اشکان خطیبی



فهرست

- ۱ یادداشت درباره‌ی چاپ حاضر
- ۵ مقدمه‌ی اتین ژیلسون
- ۲۷ تحلیل «گفتار در روش»

گفتار در روش

- ۳۹ بخش اول
- ۵۱ بخش دوم
- ۶۷ بخش سوم
- ۷۷ بخش چهارم
- ۸۹ بخش پنجم
- ۱۰۹ بخش ششم
- واژه‌نامه
- ۱۲۵ فارسی - فرانسوی
- ۱۲۷ فرانسوی - فارسی

مقدمه‌ی اتین ژیلسون

الف. زندگانی و آثار دکارت

رنه دکارت در سی و یکم مارس سال ۱۵۹۶ در دهستانی از توابع تورن فرانسه که آن زمان لاهه نام داشت و امروز لاهه‌ی دکارت خوانده می‌شود، به دنیا آمد. علوم انسانی و فلسفه را در مدرسه‌ی یسوعیان لافلش خواند و متوسطه و کارشناسی حقوق را نیز در دانشگاه پواتیه گذراند. آن‌گاه پس از چند سفر که جزئیات آن درست بر ما معلوم نیست، در سال ۱۶۱۸ با عنوان سرباز داوطلب در جرگه‌ی لشکریان شاهزاده‌ی هلندی موریس دو ناسو در آمد. در همین ایام به علوم کاربردی علاقه‌ی مخصوص داشت؛ اما دیدار با جوانی دانشمند از اهالی هلند به نام ایساک بکمان او را به علوم نظری و مخصوصاً فیزیک ریاضی و هندسه متوجه کرد. بیست و نهم آوریل ۱۶۱۹ هلند را به قصد دانمارک ترک گفت و از آن‌جا روانه‌ی آلمان شد و در ماه نوامبر در روستایی سکنی گزید تا زمستان را به سر برد.

برای آنکه از اوقات فراغت خود کمال استفاده را کرده باشد، مطالعات خود را از همان جایی پی گرفت که هنگام ترک هلند رها کرده بود. چون دیری نمی‌گذشت که راه حل بسیاری از مسائل هندسه را یافته بود، در هوای یافتن روشی عمومی افتاد که بتواند با آن تمام مسائل هندسه را، هر چه باشد، حل کند و این است آنچه دکارت در اوایل نوامبر ۱۶۱۹ می‌جُست.

حوالی دهم همان ماه بود که مسئله‌ای که خود مسئله‌ای دامنه‌دار می‌نمود،

شاید متألهان و عالمان متفق شوند و از او بخواهند رساله‌ی *عالم* را منتشر سازد و تضمین کنند که انتشار آن بی‌نگرانی صورت گیرد. پس برای آنکه برتری روش خود را اثبات کند، *مناظر و مریسا (Dioptrique)* و *کائنات جو (Météores)* و *هندسه (Géométrie)* را منتشر کرد و پیش‌گفتاری لازم بود تا روح آن روش را معین سازد و احساسی از ثمربخشی فراگیر آن به دست دهد. آن پیش‌گفتار همانا *گفتار در روش (Discours de la méthode)* است و این، سال ۱۶۳۷ بود.

اما چون مطلوبی که فیلسوف انتظارش را می‌کشید این‌بار نیز برآورده نشد، طرحی دیگر ریخت. او مابعدالطبیعه‌ی خود را تأسیس کرده بود تا اصول فیزیک را از آن استنتاج کند. پس اگر توفیق می‌یافت که مابعدالطبیعه‌اش را به متألهان بیاوراند یا خود اگر برآید آن را برای ایشان مبرهن سازد، آن‌گاه مردم ناگزیر می‌شدند آن فیزیکی را که از چنین مابعدالطبیعه‌ای به ضرورت نتیجه شده است، به طیب خاطر بپذیرند. این است آنچه سبب شد *تأملات مابعدالطبیعی (Méditations philosophiques)* را به سال ۱۶۴۱ منتشر سازد و به دانشکده‌ی الهیات پاریس تقدیم کند.

اقبالی که انتظار می‌رفت، پیدا نشد. بلکه حملات از گوشه و کنار بالا گرفت و از آن میان مخصوصاً یکی از یسوعیان کتاب *کائنات جو (Météores)* دکارت را در یکی از کلاس‌های خود نقد کرد. دکارت چون بیم داشت که مبدا انجمن یسوعیان یکسره علیه او موضع گیرد، ابتدا تصمیم گرفت کتابی در رد فلسفه‌ی مدرسی که استادان سابق تعلیم می‌دادند، به تحریر آورد؛ اما چون تأمل کرد، کار را پرخطر و بیهوده یافت و به انتشار کلیات فلسفه‌ی خود در قالبی درسی بسنده کرد؛ بدان امید که آن فلسفه دیر یا زود موفق شود و جایگاهی را که فلسفه‌ی ارسطو در تحصیلات داشت، از آن خود سازد. در عرضهی مطلب نیز شگردی به کار بست که وی راه، در عین حال که انگاری حرکت زمین را نفی می‌کند، به آن نظریه پای‌بند نگه می‌داشت. این است سبب نگارش کتاب *اصول فلسفه (Principes de la philosophie)* که به سال ۱۶۴۴ در آمستردام به زبان لاتین منتشر شد.

از آن زمان به بعد، هوای توفیق زود هنگام، دست‌کم نزد فیلسوفان و متألهانی که هواخواه آموزه‌های ارسطو بودند، از سر فیلسوف افتاد. اندیشه‌ی او بیشتر

گستره‌ای دیگر گرفت: دکارت به امکان یافتن روشی می‌اندیشید که برای حل هر مسئله که طرح آن از ذهن بشر ساخته است، توانا باشد؛ حوزه‌ی تحقیق خود هر چه خواهد، گو باش. علوم بر او مانند شاخه‌های درختی آشکار شد که همگی پیکره‌ای یگانه را قوام می‌بخشید. هیجان او از این کشف در قالب خواب‌هایی بر وی روی نمود و از آن خواب‌ها به این باور رسید که خداوند رسالت نوکردن علوم را به شخص او سپرده است. اما انجام این رسالت را به سن پختگی وا گذاشت و به نگارش هندسه‌ی خود اکتفا کرد و سفرکردن را از سر گرفت.

اواسط سال ۱۶۲۸ برنامه‌ی انجام آن کار به حد کافی در اندیشه‌ی او پخته شده بود که به آن اهتمام کند. دوباره در هلند خلوت گزید و نه‌ماهه‌ی نخست اقامت خود را در آن کشور وقف پروراندن ایده‌های مابعدالطبیعی خود کرد. اس و اساس آن‌چه بعدتر در *تأملات (Méditations)* آمده است، از همین دوران است. پس بی‌درنگ به تأسیس فیزیک* خود پرداخت بدان امید که از آن پزشکی و مکانیکی برآورد که بر بهبود اوضاع مادی هستی آدمی توانا باشد. سال‌های پس از این همه وقف نگارش رساله‌ای شد که می‌بایست همان فیزیک را دربرگیرد. دکارت خود به‌کندی ره می‌سپرد و سرانجام که مصمم شد رساله‌ی *عالم (Le Monde)* را بازنگری کند و به دوستش مرسن بفرستد، با خبر شد که به تازگی دادگاه تفتیش عقاید گالیله را به جرم قول به حرکت زمین محکوم کرده است. چون قول اخیر از فیزیک او نیز جدایی‌ناپذیر بود، از اتمام کار چشم‌پوشی کرد و از انتشار منصرف شد و این، سال ۱۶۳۳ بود.

اما فیلسوف را هوای انتشار آن کتاب از خاطر نرفت. پس کوشید تا وضعیتی مناسب‌تر پدید آورد و همین خواست ممکن‌ساختن انتشار رساله‌ی *عالم* است که بر همه‌ی فعالیت‌های بعدی او در سراسر سال‌های بعد حکم فرما است. ابتدا در این اندیشه بود که طرح مابعدالطبیعه و فیزیک خود را عیان سازد و خلاصه‌هایی از آنها منتشر کند تا ببیند که او، همچنان که در خصوص دانشی مستعد به بهبود وضع آدمی، بر وجود خداوند و بقای نفس نیز براهین مقنع می‌آورد؛ این‌گونه

* در ترجمه‌ی فروغی همه جا (physique) به «طبیعیات» برگردانده شده است؛ اما در مقدمه و حواشی از کاربرد «طبیعیات» پرهیز کرده‌ام و همه جا «فیزیک» را به دلایل کمابیش آشکار ترجیح داده‌ام. امیدوارم آن دلایل این ناپکدستی را توجیه کند. (الف - خطیبی).